

## **Jurisprudential-legal Investigation of the Effect of Gender on the Death Penalty for Fornication by Force<sup>1</sup>**

**Jawad Habibitabar<sup>\*</sup>**

**Azam Khoshsurat Mowaffagh<sup>\*\*</sup>, Jawad Khosrawi<sup>\*\*\*</sup>**

(Received: 04/11/2021; Accepted: 08/02/2022)

### **Abstract**

Based on consensus and many traditions, the punishment for fornication by force (reluctance) is death, and if the coercion occurs on the part of the adulterer, according to jurists and legislators, only the man will be sentenced to death. However, if the coercion occurs on the part of the adulteress and a woman forces a man to commit fornication, this is the origin of legal disagreement, and according to an unknown view, some jurists have joined the woman to the man in this ruling and considered her worthy of death. On the other hand, some other jurists believed that coercion is only possible on the part of the man, and therefore, they do not join the adulteress to the adulterer in the sentence of death. Using the descriptive-analytical method and library sources, this research seeks to find a suitable answer to the question that to what extent the gender of the coercive person is effective in passing the death sentence for the adulterer and adulteress, and which view is more consistent with jurisprudence and legal standards. According to the research findings, delving into the arguments of the punishment for fornication by force, including reliance on the appearance of texts and the superficial interpretation of the law indicates that the death sentence is assigned to the adulterer. And if a man is forced to commit fornication by an adulteress, she is not considered worthy of death punishment. As a result, the famous view is stronger, although it is also inferred from the opposite meaning of Article 224 of the Islamic Penal Code.

**Keywords:** Gender, Death, Rape, Fornication by Reluctance, Adulterer, Adulteress, Fornication by Force.

---

1. This article is taken from: Jawad Khosrawi, "The Influence of Women's Gender in the Arguments of Hadi and Ta'ziri Punishments from the Perspective of Jurisprudence and Iranian Enacted Law", 2021, PhD Thesis in Women's Studies, Supervisor: Jawad Habibitabar, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

\* Associate Professor, Department of Jurisprudence and Judicial Law, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (Corresponding Author), javadhabibitabar@yahoo.com.

\*\* Assistant Professor, Department of Women and Family Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, a.khoshsurat@yahoo.com.

\*\*\* PhD Student in Women's Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, jkh2522@gmail.com.

## بررسی فقهی حقوقی تأثیر جنسیت در حکم به مجازات قتل در زنای به عنف<sup>۱</sup>

جواد حبیبی تبار\*

اعظم خوش صورت موفق\*\*، جواد خسروی\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹]

### چکیده

به استناد اجماع و وجود روایات فراوان، مجازات زنای به عنف (اکراهی)، قتل است و چنانچه اکراه از سوی مرد زانی واقع شود به تصریح فقها و قانون گذار، فقط زانی محکوم به اعدام خواهد بود، اما در فرضی که اکراه از سوی زانیه واقع شود و زنی، مردی را به زنا اکراه کند خاستگاه اختلاف نظر فقهی است و مطابق قول غیرمشهور، برخی از فقها در این حکم، زن را به مرد ملحق کرده و وی را مستحق قتل دانسته‌اند؛ در مقابل، پاره‌ای دیگر از فقها، اکراه را فقط از سوی مرد زانی تحقق پذیر دانسته و در فرض مذکور، زن مکروه را در حکم قتل (اعدام) به مرد مکروه ملحق ندانسته‌اند. این تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده، در پی یافتن پاسخ مناسبی برای این پرسش است که جنسیت اکراه کننده تا چه میزان در ثبوت حکم قتل برای اکراه کننده زن و مرد تأثیرگذار بوده و کدام دیدگاه با مبانی فقهی و موازین حقوقی سازگارتر می‌نماید؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تعمق در ادله و مستندات حکم زنا، از جمله اکتفا به ظاهر نص و تفسیر مضیق قانون، از اختصاص حکم قتل به «مرد زانی مکروه» حکایت داشته و در فرض مکروه واقع شدن مرد به زنا از طرف زانیه، «زانیه» را مستحق مجازات قتل نمی‌داند و در نتیجه، قول مشهور از قوت بیشتری برخوردار است؛ گرچه این برداشت، از مفهوم مخالف بند ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی نیز استنتاج می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** جنسیت، قتل، تجاوز به عنف، زنا، اکراهی، زانی، زانیه، زنا، به عنف.

۱. برگرفته از: جواد خسروی، تأثیر جنسیت زنان در ادله اثبات و مجازات‌های حدی و تعزیری از منظر فقه و حقوق موضوعه ایران، رساله دکتری مطالعات زنان، استاد راهنما: جواد حبیبی تبار، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۴۰۰.

\* دانشیار گروه فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول)  
javadhabibitabar@yahoo.com

\*\* استادیار گروه مطالعات زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران a.khoshsorat@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران jkh2522@gmail.com.ir

## مقدمه و بیان مسئله

جنسیت واقعی انکارناپذیر در نظام آفرینش است که افراد انسانی را از همان ابتدای خلقت به دو گروه زن و مرد تقسیم کرده است. این تمایز دیرینه از یک سو پایه‌گذار زنجیره حیات بشری و از سوی دیگر، زمینه‌ساز رویارویی و مقایسه‌پذیری است که پایانش هیچ‌گاه فرا نخواهد رسید. در حال حاضر، تقریباً نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند و اهمیت تصمیم‌گیری مخصوصاً درباره قوانین و مقررات و مجازات برای زنان بر کسی پوشیده نیست. از سویی اصل برابری افراد در مقابل قانون و مدل مواجهه عادلانه قوانین با مجرمان اصلی در خور اعتنا است که زمینه این باور را در ما به وجود می‌آورد که در صورت سرزدن جرم از فرد، اعم از مرد یا زن، مجازات یکسانی بر او لحاظ می‌شود، در حالی که در برخی مجازات‌ها این یکسانی به چشم نمی‌خورد.

از یک سو، تأکیدات بسیار در آموزه‌های دینی اسلام بر اجرای حدود شده و اقامه آن دارای ارزشی والا دانسته شده است، تا آنجا که در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده است که: «اگر یک حد از حدود الهی در زمین جاری شود هر آینه پاک‌کننده‌تر و نافع‌تر است از بارانی که چهل شبانه‌روز ببارد» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۸، باب ۱ از ابواب مقدمات حدود) و از سوی دیگر، اساساً در بحث اجرای مجازات، تفاوتی بین زن و مرد نیست و جنسیت نمی‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای در این خصوص به شمار آید و افراد در برابر قانون مساوی‌اند؛ اما در نظام کیفری اسلام و همچنین مقررات قانونی، به تبع فقه امامیه، تفاوت‌هایی را می‌توان از حیث نحوه اجرای مجازات مشاهده کرد، ضمن اینکه از حیث نوع مجازات هم تفاوت‌هایی بین زن و مرد دیده می‌شود که در جنسیت ریشه دارد و به عبارت دیگر، مرد یا زن بودن تعیین‌کننده نوع مجازات خواهد بود.

تاکنون پژوهشگران برخی از اهمّ این مجازات‌ها را با همین رویکرد بررسی، و در آن مذاقه کرده‌اند که در جای خود محترم و لازم است، اما راجع به برخی دیگر از این مجازات‌ها، علی‌رغم پرداختن متون فقهی به آن، سکوت کرده‌اند که از آن جمله است

مجازات قتل در جرایم تعدی به عنف. نوشتار حاضر در صدد بررسی مجازات قتل در زنای به عنف به عنوان یکی از مجازات‌های حدی است که در آن عامل جنسیت تأثیرگذار بوده و با عنایت به متون فقهی و ادله موجود در منابع، نحوه، میزان و چرایی این تأثیر بررسی خواهد شد. مطرح کردن دیدگاه‌های مختلف فقهی به همراه ادله و مبانی این حکم و همچنین تبیین موضع قانون‌گذار هدف این تحقیق است و در نهایت، دیدگاه مختار نگارندگان تشریح می‌شود.

### ۱. رابطه جنسیت و مجازات

از دیدگاه اسلام، زن و مرد از فضیلت و شخصیت مساوی برخوردارند. به استناد آیات قرآن کریم، از جمله «انْ أكرمکم عند الله أتقیکم» (حجرات: ۱۳)، معیار برتری صرفاً تقوا و فضایل انسانی دانسته شده است. در فقه و حقوق ایران، همان‌گونه که بین جرم و جنسیت ارتباط وجود دارد، در تعیین مجازات هم این رابطه دیده می‌شود. با مطالعه قوانین فقهی حقوقی، مجازات متفاوت مرد و زن در برخی از جرایم در دو بخش بررسی می‌شود: الف. جرایمی که مجازات زنان در آن خفیف‌تر یا همراه با معافیت است؛ ب. جرایمی که مجازات مردان در آن خفیف‌تر یا همراه با معافیت است (خوش‌صورت موفق و خان‌کاظمی، ۱۳۹۷: ۸۰).

تأثیر جنسیت در علوم جنایی را در دو مقوله مجزا می‌توان بررسی کرد: یکی نقش آن در بزهکاری و دیگری تأثیری که در حقوق کیفری دارد. مقوله اول مرتبط با جرم‌شناسی است و درباره تفاوت‌های موجود در بزهکاری مردان و زنان و علل آن مباحثی مطرح می‌شود؛ اما در حقوق کیفری بحث از تفاوت‌هایی بین مردان و زنان است. بنا بر اصل برابری افراد در قبال قانون، حقوق کیفری ذاتاً حقوقی غیرشخصی است؛ یعنی برای همه تابعان یکسان است. لذا قانون‌گذار هنگام تعریف جرایم و تعیین مجازات‌ها از معیار دوگانه استفاده نمی‌کند. اما گاه، استثنائاً، به عنوان امتیاز و حمایتی برای برخی تابعان از این اصل عدول می‌شود. یکی از این استثناها بر اساس جنسیت و

باز پژوهی مستندات فقهی حق حبس در نکاح مبتنی بر مهریه نامتعارف با تکیه بر فقه امامیه / ۱۱

حمایت از جنس زن است. البته این تفاوت در مجازات به دلیل تفاوت در ساختار طبیعی خلقت زن و مرد و تفاوت بین وظایف و تکالیف آنها است. به عبارت دیگر، در وضع احکام و تکالیف صرفاً تفاوت طبیعی مبنا قرار می‌گیرد و به معنای پایین‌تر دانستن یک جنس نسبت به جنس دیگر نیست؛ لذا تأکید اسناد و مقررات ملی یا بین‌المللی بر تساوی حقوق زن و مرد برای نفی تبعیض‌های منفی است و تبعیض‌های مثبت (تبعیض‌های حمایتی) را شامل نمی‌شود.

مقررات کیفری ایران در مقوله مجازات‌ها اولین بار در ماده ۴۶ قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴، تبعیض مثبت را پیش‌بینی کرد. مطابق این ماده: «در حق مردانی که عمر آنها متجاوز از شصت سال است و همچنین کلیه زن‌ها حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمی‌شود و مجازات آنها به حبس مجرد تبدیل خواهد شد، مگر اینکه حکم برای ارتکاب به قتل عمدی صادر شود». مطابق این حکم، به استثنای مجازات قتل عمدی در سایر امور زن‌ها از امتیازی نسبت به مردان در مجازات اعدام و حبس با اعمال شاقه برخوردار بودند. در ادامه تحولات قانونی، این امتیاز در اصلاحات قانونی مجازات عمومی ۱۳۵۲ نسخ شد و برای زنان در برخی امور استثنائاً امتیازاتی باقی ماند. پس از انقلاب اسلامی به دلیل تطبیق قوانین با موازین شرعی به تعداد این استثنائات اضافه شد. لذا اکثر این تفاوت‌ها در مجازات‌های حدی و قصاص دیده می‌شود و در تعزیرات کمتر چنین چیزهایی دیده می‌شود. با بررسی مقررات موجود، تفاوت جنسیتی مجازات را در سه دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد: تفاوت در نوع و میزان مجازات؛ تفاوت در معافیت از مجازات و تفاوت در اجرای مجازات. بررسی دقیق این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که آیا همگی از نوع تبعیض‌های مثبت و به اصطلاح حمایتی هستند یا برخی احتمالاً تبعیض منفی هستند و مغایر با اصل تساوی شأن انسانی زن و مرد (یزدیان جعفری، ۱۳۸۸: ۸۰-۸۲).

## ۲. مجازات قتل برای زنای به عنف یا اکراه

زنا یکی از زشت‌ترین گناهان و از جمله جرایمی است که شارع مقدس مجازات سختی برای آن مقرر کرده است. این مجازات اصطلاحاً از حدود الهی به شمار می‌رود. «زنا» در لغت به معنای نزدیکی کردن با زن بدون خواندن عقد شرعی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۳۸۴) است و لفظ «زنا» یعنی بدون عقد، با زنی از روی حرام نزدیکی کردن (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۶). «زنا» در اصطلاح فقها عبارت است از: جماع مرد با زنی که ذاتاً بر او حرام است (یعنی جماع با زنی که بر او حرام ذاتی است بدون آنکه ازدواج، شبهه و ملکیت در کار باشد) (نجفی، بی‌تا: ۲۸۵/۴۱). همچنین، گفته‌اند: «هُوَ إِیْلَاجُ الْبَالِغِ الْعَاقِلِ فِي فَرْجِ امْرَأَةٍ مُحَرَّمَةٍ مِنْ غَيْرِ عَقْدٍ وَلَا مِلْکٍ وَلَا شُبْهَةٍ قَدَرِ الْحَشْفَةِ عَالِماً مُخْتَاراً» (موسوی خمینی، ۱۴۲۳: ۴۳۵/۲؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ۲۵۳/۹)؛ «داخل کردن شخص بالغ عاقل به اندازه حشفه در فرج زنی از روی حرام، یعنی بدون عقد نکاح و ملکیت و شبهه و از روی علم و اختیار». خوبی نیز با کمی تفاوت در تعریف این عمل می‌گوید: «زنا وارد کردن آلت تناسلی مرد در آلت تناسلی زنی است که اصالتاً بر او حرام است، بدون اینکه بین زن و مرد عقد نکاح یا رابطه ملکیت یا شبهه‌ای وجود داشته باشد و در این خصوص تفاوتی بین جلو و عقب زن وجود ندارد» (موسوی خوبی، ۱۴۱۰: ۲۵۰/۱). همچنین، «زنا» در اصطلاح حقوق، همچنان که مقنن در ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعریف کرده عبارت است از: «جماع زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نیست و همچنین از مصادیق وطی به شبهه هم نبوده باشد»؛ و در تبصره ۱ بیان می‌شود: «جماع با دخول اندام تناسلی مردی به قدر ختنه‌گاه در دبر و قبل زن تحقق پیدا می‌کند».

اگر زنا با یکی از راه‌های اقرار یا قیام بینه ثابت شود، بر زانی باید حد جاری کرد و حد آن عبارت است از هشت قسم: قتل، رجم، تازیانه، تازیانه و تراشیدن سر و تبعید، ضغث و تازیانه به همراه مجازات اضافی (نک: عاملی، ۱۴۲۵: ۲۷۳/۴-۲۹۰). درباره اینکه مجازات زنا به عنف قتل است اجماع وجود دارد و روایت‌های فراوانی هم در تأیید

باز پژوهی مستندات فقهی حق حبس در نکاح مبتنی بر مهریه نامتعارف با تکیه بر فقه امامیه ۱۳/

آن آمده است. به علاوه، وقتی زنای با رضایت چنین کیفری دارد این گونه زنا جرمی است بسیار شنیع تر و سنگین تر؛ پس باید کیفرش نیز سنگین تر باشد. سید مرتضی این حکم را از مختصات فقه امامیه می داند و فقهای مذاهب اهل سنت با آن مخالفت کرده اند (سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۲۷).

### ۳. ماهیت اکراه در زنای به عنف

از جمله جاهایی که جنسیت در مجازات تأثیر می گذارد مسئله اکراه به زنا است. «اکراه» از ماده «کره» (به فتح و ضم اول و سکون ثانی) است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸۰/۱۲). در اصطلاح فقها «اکراه» از آن دسته کلماتی است که معنای لغوی اش با مفهوم اصطلاحی اش تفاوت چندانی ندارد. صرف نظر از قیود، شرایط و اوصافی که فقها برای اکراه و تحقق آن بر شمرده اند، معنای اصطلاحی این کلمه نزد فقها همان معنا و مفهوم مد نظر اهل لغت است؛ یعنی، اکراه عبارت است از واداشتن دیگری به کاری که بدان مایل نیست؛ در صورتی که همراه با تهدید باشد (موسوی خمینی، ۱۴۱۳: ۱۱۹؛ محقق داماد، ۱۴۲۵: ۹۱). حقوق دانان با تکیه بر عنصر قانونی و بر اساس مبانی و اصول حاکم بر نظام حقوقی ایران، به تفسیر و تعریف پدیده های حقوقی، مانند اکراه پرداخته اند، که مقنن تعریف نکرده است. به برخی از تعاریف مذکور اشاره می کنیم. «اکراه» عبارت از فشار مادی یا معنوی بر شخص است تا او را وادار به انجام دادن عملی کند (امامی، ۱۳۸۴: ۲۲/۴). یا اینکه گفته اند «اکراه» عملی است تهدیدآمیز از طرف کسی نسبت به دیگری، به منظور تحقق بخشیدن به فعل یا ترک فعل مد نظر اکراه کننده (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۱۲۸/۲).

### ۴. مجازات زنای به عنف از منظر حقوقی

#### ۴. ۱. دیدگاه قانون گذار

در قانون مجازات اسلامی، بنا به تصریح ماده ۲۲۴، حد زنا در مصادیق ذیل اعدام است:

۱. زنا با محارم نسبی
  ۲. زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.
  ۳. زنا با مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.
  ۴. زنا با زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است.
- تبصره ۱- مجازات زانیه در بندهای (ب) و (پ) حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است.

حکم زنا با عنف، همان‌گونه که در متن قانون به آن تصریح شده، محل اتفاق فقها است؛ اما نکته‌ای که توجه به آن لازم است کاربرد واژه‌ای متفاوت است؛ زیرا تعبیر «زنا با عنف» که در قانون به آن اشاره شده، در متون فقهی نیست و در نصوص وارد شده و عبارات فقها، عناوینی همچون «غصب فرج»، «مکابره به قهر و غلبه» و «اکراه بر زنا» به کار رفته و گفته‌اند: «من زنی بامرأه مکرهاً لها» (نجفی، بی‌تا: ۳۱۵/۴۱). حلی در *شرائع الاسلام* (حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۱/۴) به «مکرهاً» و در *المختصر النافع* (حلی، ۱۴۱۸: ۲۹۴) به «قهرأً» تعبیر کرده است؛ در نتیجه آنچه قدر متیقن از حکم قتل در بند (ت) است، زنا با قهر و غلبه و اکراه و تهدید مرتکب است و این حکم در فقه تأیید شده و برگرفته از منابع فقهی است.

#### ۲.۴. مبانی فقهی دیدگاه قانون‌گذار

مشروعیت قانون‌گذار در حکم به اعدام در اکراه به زنا، مستند به چند دلیل است:

#### ۲.۴.۱. روایات

**روایت اول:** در روایتی از امام باقر (ع) آمده است: «مَحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَنْ رَجُلٍ اغْتَصَبَ امْرَأَةً فَرَجَهَا قَالَ يَقْتُلُ مُحْصَنًا كَانَ أَوْ غَيْرَ مُحْصَنٍ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۷/۱۰). این روایت را کلینی در کافی به دو سند ذکر کرده و شیخ طوسی هم در *تهذیب الاحکام* آورده است. برید می‌گوید از امام



باز پژوهی مستندات فقهی حق حبس در نکاح مبتنی بر مهریه نامتعارف با تکیه بر فقه امامیه / ۱۵

باقر (ع) راجع به مردی که فرج زنی را غصب و بر آن تسلط و استیلا پیدا کرد، پرسیدند. امام (ع) فرمودند: «باید به قتل برسد؛ خواه محصن باشد یا غیر محصن». روایت دلالت دارد بر حکم اعدام در اکراه به زنا.

**روایت دوم:** «ابن ابی نجران عن جمیل بن دراج و محمد بن حمران جمیعاً عن زرارة قال: قلت لابی جعفر الرجل یغصب المرأة نفسها قال یقتل» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۹/۷). از امام (ع) درباره مردی که فرج زنی را غصب و بر آن استیلا و تسلط پیدا کرد، پرسیدند. امام (ع) فرمود باید کشته شود. این روایت هم به حکم اعدام در اکراه به زنا دلالت دارد.

#### ۲.۲.۴. اجماع محصل و منقول

نجفی می‌گوید: «حکم چنین شخصی قتل است و مخالفی در این حکم نیافتیم؛ بلکه اجماع محصل و منقول داریم» (نجفی، بی‌تا: ۳۱۵/۴۱). نکته مهم درباره این جرم این است که مطابق قانون در مقام مجازات، اعدام فقط برای مرد زناکار پیش‌بینی شده است. به بیان دیگر، مجازات زنی که مردی را وادار به اکراه کرده همان مجازات زناي ساده، یعنی صد ضربه تازیانه است؛ و در این مقام ابتدا باید به این مسئله پردازیم که آیا اساساً امکان اکراه در مردان وجود دارد یا خیر. شایان ذکر است که در باب اکراه مرد به زنا با یک زن لزوماً اکراه‌کننده خود آن زن نیست، بلکه ممکن است اکراه‌کننده، مرد دیگری باشد. حلی در شرائع، ابتدا می‌گوید: «فیه تردّد»؛ اما بعد از آن می‌گوید: «اشبه آن است که اکراه راجع به مرد نیز متصور است» (حلی، ۱۴۰۸: ۹۳۳/۴). شبیه این مسئله در غنیه از بیان ابن‌زهره وجود دارد که به طور قطع و جزم می‌گوید درباره مرد اکراه تحقق پیدا نمی‌کند.

در این مقام به بیان دیدگاه فقها می‌پردازیم. در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد که جمع‌بندی‌اش این است که اکراه بر زنا درباره مردان نیز معقول است و بین مرد و زن فرقی در اکراه نیست؛ همان‌طور که موسوی خمینی در تحریر الوسیله می‌گوید: «لا شبهة فی تحقق الإکراه فی طرف الرجل کما یتحقق فی طرف المرأة» (موسوی خمینی، ۱۴۲۳:

۴۵۶/۲). همچنین، برخی دیگر از فقهای معاصر گفته‌اند: «انه لا فرق بين الرجل والمرأة في تحقق هذه العنوان في حقهما و ان كان حصولها في المرأة اكثر و اغلب و هذا هو الوجه في عدم ذكر الرجل في روايات الباب» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۴۰).

درباره امکان پذیرش ادعای اکراه و حکم اعدام زانیه، قانون موضع سکوت اختیار کرده و در بسیاری از متون فقهی مطرح نشده و کسانی که مطرح کرده‌اند حکم زنا را بر آن جاری نکرده‌اند (گنجینه استفتائات قضایی (نرم‌افزار)، فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی)، لذا حکم زانیه ممکن است حسب مورد تازیانه یا سنگسار باشد اما دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد.

#### ۵. دیدگاه‌های فقهی درباره حکم اکراه به زنا، از طرف زن (زانیه)

##### ۵. ۱. دیدگاه مشهور (قول به تعمیم حکم) و ادله آن

مشهور فقها معتقدند باید در این حکم قائل به تعمیم شد و بین زانی و زانیه تفاوتی نگذاشت. از این رو اگر زنی مردی را به زنا اکراه کند وی نیز همانند مرد زانی که زنی را به زنا اکراه کرده باشد مستحق مجازات قتل است. این قول به دلایلی استناد کرده‌اند:

##### ۵. ۱. ۱. وحدت ملاک

یکی از این ادله وحدت ملاک است. پس باید گفت ملاکی که در مرد هست در زن هم هست. پس در حکم نیز مشترک‌اند. مشهور فقهای امامیه معتقدند برانگیخته شدن آلت تناسلی، طبیعی است و به این نظر قائل‌اند که مرد نیز مکره واقع می‌شود. از این دسته فقها می‌توان به شهید ثانی اشاره کرد. وی نیز به تحقق اکراه در مرد معتقد است. شهید اول نیز آورده است: «کَمَا يَدْرَأُ عَنِ الْمَرْأَةِ بِالْإِكْرَاهِ فَيَدْرَأُ الْحَدَّ عَنْهُ بِهِ» (عاملی، ۱۴۱۴: ۲۵۳)؛ «همچنان که با اکراه حد زنا از زن دفع می‌شود، از مرد نیز به جهت اکراه شدن او، حد دفع می‌گردد». پس ملاک برای حکم زانیه نیز موجود است. در این باب گفته‌اند: «فان العرف هنا حاکم بعدم الفرق و يؤيد الاستقراء فانه حاکم بوحدة الحكم فيهما قتلا و ضربا و رجما؛ عرف در

باز پژوهی مستندات فقهی حق حبس در نکاح مبتنی بر مهریه نامتعارف با تکیه بر فقه امامیه / ۱۷

اینجا به فقدان فرق بین زن و مرد حکم می‌کند و استقرا نیز این حکم را تأیید می‌کند و این وحدت حکم در همه امور (قتل و ضرب و رجم) است»<sup>۱</sup> (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۲۶۹).

### ۵. ۱. ۲. اطلاق روایات

یکی از مهم‌ترین دلایل ایشان «اطلاق روایت» است که در روایت صحیح ابو ایوب (موسوی خویی، ۱۴۱۰: ۲۳۰/۱) امام صادق (ع) می‌فرمایند: «من زنی بذات محرم حتی یواقعها ضُربَ بالسَّيْفِ أَخَذَتْ مِنْهُ مَا أَخَذَتْ - وَ إِنْ كَانَتْ تَابَعَتْهُ - ضُرِبَتْ ضَرْبَةً بِالسَّيْفِ أَخَذَتْ مِنْهَا مَا أَخَذَتْ - قِيلَ لَهُ فَمَنْ يَضْرِبُهُمَا وَ لَيْسَ لَهُمَا خَصْمٌ - قَالَ ذَاكَ عَلَيَّ الْإِمَامُ إِذَا رُفِعَا إِلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۰/۷)؛ «هر کس با محرم خویش زنا کند ضربه‌ای با شمشیر به او زده می‌شود، به هر میزانی که این شمشیر اثر کرد و اگر زن نیز در زنا متابعت داشته باشد به همین نحو مجازات می‌شود». استدلال کرده‌اند که روایت فوق مطلق است و در مقام بیان کیفر زنا با محارم است که مجازات آن در هر صورت، چه محصن باشند و چه نباشند و چه زانی باشد و چه زانیه، ضربه‌ای با سیف است.

### ۵. ۲. دیدگاه غیر مشهور (قول به تعمیم نیافتن حکم) و ادله آن

اما دیدگاه غیر مشهور (قول به تعمیم نیافتن حکم) است که موافقان تفاوت حکم مجازات زن و مرد، دلایلی اقامه کرده‌اند که عبارت‌اند از:

#### ۵. ۲. ۱. قاعده درأ

کسانی با تفاوت مجازات زن و مرد در این مسئله موافق‌اند و معتقدند دلیلی بر مجازات قتل برای زانیه وجود ندارد و ادله‌ای بر خلاف دارند که استناد قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» (خوانساری، ۱۴۰۵: ۲۵/۷) یکی از آن ادله است که حد را از زانیه دفع کرده‌اند. سیاست شارع مبنی بر تخفیف در حدود است، بدین استدلال که درباره قتل زانیه شبهه وجود دارد و چون بحث حدود است پس باید احتیاط کرد و قتل زانیه منتفی می‌شود، چراکه قاعده احتیاط در دماء اقتضا می‌کند جانب احتیاط را رعایت کنیم و حکم را به زانیه تسری ندهیم.

## ۵.۲.۲. وجوه اعتباری

برخی در توجیه تفاوت مجازات با توجه به جنسیت مجرم این گونه استدلال کرده‌اند که انجام‌شدن این عمل در حق زن آثار وخیم حیثیتی بیشتری نسبت به وقتی دارد که همین عمل را زنی بر مردی انجام دهد؛ و به نظر می‌رسد، اگرچه مجرمیت زن با مرد در این جرم یکسان است (شدت ذهنی جرم) اما به لحاظ نتیجه و اثری که جرم بر مجنی‌علیه بر جای می‌گذارد (شدت عینی جرم) زیان زن مکره بیشتر از مرد مکره است و در مجموع، شدت جرم از سوی مرد بیشتر از زن است؛ لذا عدالت اقتضا می‌کند که مجازات مرد شدیدتر از زن باشد. با این توضیح تفاوت مزبور نه تنها مغایر با «اصل تناسب» مجازات نیست، بلکه نوعی برابری و رعایت عدالت در مجازات هم هست (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۶: ۵۰۰). وجوه دیگری نیز مطرح کرده‌اند:

۱. زن پدر به دلیل قرارگرفتن در جایگاه مادر و حرمت و احترام رفیعی که خداوند در شریعت مقدس اسلام برای مقام و جایگاه مادر قرار داده، محترم است. لذا مجازات پسر را سنگین‌تر در نظر گرفته‌اند.

۲. معمولاً تقاضا برای ارتکاب عمل زنا راجع به دختر از جانب ناپدری مطرح می‌شود و چون احساسات و عواطف زن در تصمیم‌گیری او مؤثرتر از عقل است، احساسی تصمیم می‌گیرد و این خود می‌تواند عاملی برای سبک‌تر شدن مجازات وی باشد (آزمایش، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

در تحقق زنا، فاعل زنا است که عمدتاً زمام عمل را به دست دارد و تا یک سری شرایط در او محقق نشود امکان برقراری آمیزش میسر نخواهد شد. مثلاً انتشار عضو جنسی مذکر ضرورت دارد و قطعاً مردی که از طرف زنی به زنا واداشته می‌شود حتماً لازم است یک سری از این شرایط در وی هویدا شود و الا عمل آمیزش ممکن نخواهد بود. در حالی که اگر مردی زنی را مجبور به آمیزش کند آن زن به عنوان مفعول صرفاً مطاوعت می‌کند و شرایط خاصی در وی ضروری است که اگر غیر از

باز پژوهی مستندات فقهی حق حبس در نکاح مبتنی بر مهریه نامتعارف با تکیه بر فقه امامیه / ۱۹

این بود زناى به عنف هرگز محقق نمی‌شود. این حکم نشان‌دهنده آن است که دین اسلام آنچنان اهمیتی برای این مصداق از حقوق بشر، یعنی حق حاکمیت و تسلط بر بدن خویش، قائل شده که آن را جرم و گناهی نابخشودنی دانسته و شخص مرتکب را مستحق سخت‌ترین و شدیدترین عقوبت، یعنی سلب حق حیات، می‌داند. بنابراین، ادعای اکراه به طور کلی ممکن است هم از سوی زن و هم از سوی مرد پذیرفته شود.

### ۵. ۲. ۳. ناممکن بودن تحقق اکراه در مردان

استدلال این دسته از فقها، همان‌طور که بیان شد (حلبی، ۱۴۰۳: ۴۲۴)، عبارت است از اینکه نعوظ در مرد نشانه میل و رغبت و تمایل او است و بنابراین هیچ مردی نمی‌تواند به ارتکاب زنا اکراه شود. لذا حکم اعدام برای زنان منتفی است به انتفای موضوع. بیان شد که این استدلال نمی‌تواند توجیه‌پذیر باشد. زیرا علاوه بر آنکه نعوظ نشئت‌گرفته از یک سری فعل و انفعالات بیولوژیکی است که می‌تواند حتی در صورت اکراه‌شدن به زنا هم محقق شود، شرط ادخال آلت به اندازه ختنه‌گاه بدون انتشار عضو هم امکان‌پذیر است. به علاوه، ممکن است بین زمان اکراه و زمان زنا تقارن نباشد، مثلاً اکراه در روز قبل از زنا محقق شده باشد. همچنین، در روایات فقط حکم زانی را اعدام دانسته‌اند نه زانیه را. از سویی شبهه دارئه مطرح است که با وجود چنین شبهه‌ای حد ساقط می‌شود.

### ۶. دیدگاه مختار

به نظر می‌رسد قول به تعمیم نیافتن حکم، که همان نظر قانون‌گذار است، صحیح است و می‌توان گفت دلیلی بر مجازات قتل برای زانیه وجود ندارد و همان‌طور که در دیدگاه قائلان به تعمیم نیافتن حکم بیان شد، ادله‌ای برخلاف وجود دارد که استناد قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» یکی از آن ادله است که حد را از زانیه دفع کرده‌اند و سیاست شارع مبنی بر تخفیف در حدود است و درباره قتل زانیه شبهه وجود دارد و چون بحث حدود است پس باید احتیاط کنیم و قتل زانیه منتفی می‌شود، چراکه قاعده احتیاط در دماء

اقتضا می‌کند جانب احتیاط را رعایت کنیم و حکم را به زانیه تسری ندهیم؛ و در رد قول مقابل که به اطلاق آیه استدلال کرده‌اند باید گفت در شبهات موضوعیه نمی‌توان به اطلاق دلیل تمسک کرد. زیرا اطلاق نمی‌تواند برای خود موضوع‌سازی کند و دلیل دومشان، یعنی وحدت ملاک، را نیز قبول نداریم، زیرا گفتیم که تمام الملاکات احکام را فقط شارع می‌تواند بیان کند.

به نظر می‌رسد همان‌طور که قانون مجازات اسلامی در بند (ت) ماده ۲۲۴، زنا را به عنف و اکراه را موجب قتل زانی اکراه‌کننده دانسته، و فرضی را که زنی زنا را بر مردی تحمیل کرده و او را به این عمل واداشته باشد محکوم به قتل ندانسته، این دیدگاه صحیح باشد، زیرا روایات مذکور فقط حکم زانی را اعدام دانسته نه زانیه، و به استناد قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» حد را نمی‌توان به زانیه سرایت داد، چراکه سیاست شارع مبنی بر تخفیف در حدود است و چون در قتل زانیه شبهه وجود دارد و بحث حدود است پس باید احتیاط کرد و نباید حکم قتل را به زانیه تسری داد. همچنین، به دلیل اصالت عدم و در رد دلیل موافقان که به اشتراک ملاک احکام تمسک کرده‌اند باید گفت ملاکات احکام، به جز آنچه برای ما در روایات بیان شده، تشخیص‌پذیر نیست. در پایان، باید گفت در این فرع تفاوت دیگری هم هست و آن پذیرفتن ادعای اکراه است که اگر زن چنین ادعایی کند از او پذیرفته می‌شود ولی راجع به مرد ادعای اکراه مستلزم دلیل است.

#### نتیجه

در موضوع مجازات و کیفرها از قبیل قتل، جنسیت می‌تواند تأثیر داشته باشد و بین زن و مرد تفاوت وجود دارد. قانون‌گذار با لحاظ جنسیت زن یا مرد در این‌گونه جرایم مشخص، میزان و کمیت مجازات را در زمان تصویب، تعیین کرده که برای جنسی شدیدتر و بیشتر، و برای دیگری خفیف‌تر و سبک‌تر است. درباره مجازات قتل در زنا به عنف، همان‌طور که قانون‌گذار قتل را مخصوص به زانی اکراه‌کننده دانسته و زنی که

باز پژوهی مستندات فقهی حق حبس در نکاح مبتنی بر مهریه نامتعارف با تکیه بر فقه امامیه / ۲۱

زنا را بر مردی تحمیل کرده و به این عمل وا داشته محکوم به قتل ندانسته و قول غیرمشهور فقها که به قتل زانیه اکراه کننده قائل نیستند قابل تقریب است؛ یعنی زن نباید به قتل برسد.

#### پی نوشت

۱. این قول را مکارم شیرازی به عنوان امکان استدلال ذکر، و سپس رد کرده است.

## منابع

- قرآن کریم.
- آزمایش، علی (۱۳۸۴). مجموعه مقالات زن و حقوق کیفری، تهران: سلسبیل، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، تحقیق و تصحیح: احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة.
- امامی، سید حسن (۱۳۸۴). حقوق مدنی، تهران: اسلامیة، چاپ پنجم.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰). ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ یازدهم.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، الطبعة الثانية.
- حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳). الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع)، چاپ اول.
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸). المختصر النافع فی فقه الامامیة، قم: مؤسسة المطبوعات الدینیة، الطبعة السادسة.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان، الطبعة الثانية.
- خوش صورت موفق، اعظم؛ خان کاظمی، محمد (۱۳۹۷). «جنسیت و مجازات در فقه و حقوق ایران»، در: مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، ش ۱، ص ۷۹-۹۶.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن، لبنان- سوریه: دار العلم.
- سید مرتضی (علم الهدی)، علی بن حسین (۱۴۱۵). الانتصار فی انفرادات الامامیة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۴). غایبة المراد فی شرح نکت الإرشاد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۲۵). اللمعة الدمشقیة، قم: صادقی.



باز پژوهی مستندات فقهی حق حبس در نکاح مبتنی بر مهریه نامتعارف با تکیه بر فقه امامیه / ۲۳

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.

گنجینه استفتائات قضایی (نرم افزار) (بی تا). قم: مرکز تحقیقات فقهی حقوقی.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۲۵). *قواعد فقه*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۸). *أنوار الفقاهة: کتاب الحدود والتعزیرات*، قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۳). *المکاسب المحرمة*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۳). *تحریر الوسیلة*، ترجمه: علی اسلامی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ بیست و یکم.

موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰). *مبانی تکملة المنهاج*، بی جا: مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۶). *جرائم علیه اموال و مالکیت*، تهران: میزان، چاپ دوم.

نجفی، محمدحسن (بی تا). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة السابعة.

یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۸). «نقش جنسیت در مجازات مجرم»، در: *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۵، ص ۷۹-۱۱۴.

## References

The Holy Quran

- Aameli (Shahid Awwal), Mohammad ibn Makki. 1993. *Ghayah al-Morad fi Sharh Nokat al-Ershad*, Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office. [in Arabic]
- Aameli (Shahid Awwal), Mohammad ibn Makki. 2004. *Al-Lomah al-Demashghiyyah*, Qom: Sadeghi. [in Arabic]
- Azmayesh, Ali. 2005. *Majmueh Maghalat Zan wa Hoghugh Keyfari (A Collection of Articles on Women and Criminal Law)*, Tehran: Salsabil, First Edition. [in Farsi]
- Halabi, Abu al-Salah. 1982. *Al-Kafi fi al-Feghh (Self-sufficiency of the Jurisprudence)*, Isfahan: Imam Amir al-Momenin Ali (AS) Public Library, First Edition. [in Arabic]
- Helli, Jafar ibn Hasan. 1987. *Sharae al-Eslam fi Masel al-Halal wa al-Haram (Rulings of Islam on the Lawful and Forbidden Issues)*, Qom: Ismailiyan, Second Edition. [in Arabic]
- Helli, Jafar ibn Hasan. 1997. *Al-Mokhtasar al-Nafe fi Feghh al-Imamiyyah (Beneficial Summation on Imami Jurisprudence)*, Qom: Institution of Religious Publications, Sixth Edition. [in Arabic]
- Horr Aameli, Mohammad ibn al-Hasan. 1993. *Tafsil Wasael al-Shiah ela Tahsil Masaal al-Shariah (The Means of the Shiites to Achieve the Issues of Sharia)*, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Manzur, Mohammad ibn Mokarram. 1993. *Lesan al-Arab (Language of Arabs)*, Researched & Edited by Ahmad Fares Saheb al-Jawaeb, Beirut: Arab Heritage Revival House, Third Edition. [in Arabic]
- Imami, Seyyed Hasan. 2005. *Hoghugh Madani (Civil Rights)*, Tehran: Islamiyyah, Fifth Edition.
- Jafari Langerudi, Mohammad Jafar. 2001. *Terminoloji Hoghugh (Legal Terminology)*, Tehran: Treasure of Knowledge, 11<sup>th</sup> Edition. [in Farsi]
- Jobai Aameli (Shahid Thani), Zayn al-Din ibn Ali. 1992. *Al-Rawzah al-Bahiyah fi Sharh al-Lomah al-Demashghiyyah*, Qom: Ismailiyan Istitute. [in Arabic]
- Khansari, Sayyed Ahmad. 1984. *Jame al-Madarek fi Sharh al-Mokhtasar al-Nafe*, Qom: Ismailiyan Institute, Second Edition. [in Arabic]

بازپژوهی مستندات فقهی حق حبس در نکاح مبتنی بر مهریه نامتعارف با تکیه بر فقه امامیه / ۲۵

- Khoshsurat Mowaffagh, Azam; Khan Kazemi, Mohammad. 2018. "Jensiat wa Mojazat dar Feghh wa Hoghugh Iran (Gender and Punishment in Jurisprudence and Iranian Law)", in: *Jurisprudential-legal Studies of Women and Family*, no. 1, pp. 79-96. [in Farsi]
- Kolayni, Mohammad ibn Yaghub. 1986. *Al-Kafi*, Edited by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Islamic Books Institute, Fourth Edition. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser. 1997. *Anwar al-Feghahah: Ketab al-Hodud wa al-Tazirat*, Qom: Imam Ali ibn Abi Taleb (AS) School. [in Arabic]
- Mirmohammad Sadeghi, Hoseyn. 1997. *Jarayem alayh Amwal wa Malekiyat (Crimes against Property and Ownership)*, Tehran: Mizan, Second Edition. [in Farsi]
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa. 2004. *Ghawaed Feghh (Rules of Jurisprudence)*, Tehran: Islamic Sciences Publishing Center.
- Musawi Khomeini, Sayyed Ruhollah. 1992. *Al-Makaseb al-Moharramah (Forbidden Businesses)*, Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, First Edition. [in Arabic]
- Musawi Khomeini, Sayyed Ruhollah. 2002. *Tahrir al-Wasilah*, Translated by Ali Islami, Qom: Islamic Publishing Institute, 21th Edition. [in Arabic]
- Musawi Khoyi, Sayyed Abu al-Ghasem. 1989. *Mabani Takmelah al-Menhaj (Fundamentals of Completing the Path)*, n.p: City of Science, 28<sup>th</sup> Edition. [in Arabic]
- Najafi, Mohammad Hasan. n.d. *Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam (Jewelry Words in the Explanation of the Islamic Law)*, Beirut: Arab Heritage Revival House, Seventh Edition. [in Arabic]
- Ragheb Isfahani, Hosayn ibn Mohammad. 1991. *Mofradat Alfaz al-Quran (Dictionary of Quranic Words)*, Lebanon- Syria: House of Knowledge. [in Arabic]
- Sayyed Mortaza (Alam al-Hoda), Ali ibn Hosayn. 1994. *Al-Entesar fi Enferadat al-Imamiyyah (Victory in the Distinctions of Imamiyyah)*, Qom: Islamic Publications Office. [in Arabic]
- The Treasure of Judicial Inquiries (Software). n.d. Qom: Jurisprudential-Legal Research Center.
- Toreyhi, Fakhr al-Din ibn Mohammad. 1996. *Majma al-Bahrayn (The Union of the Two Seas)*, Tehran: Mortazawi. [in Arabic]

Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1986. *Tahzib al-Ahkam (Refinement of Rulings)*, Tehran: Islamic Books House, Fourth Edition. [in Arabic]

Yazdiyan Jafari, Jafar. 2009. "Naghsh Jensiyat dar Mojazat Mojrem (Role of Gender in Punishing Criminals)", in: *Strategic Studies of Women*, no. 45, pp. 79-114. [in Farsi]